

مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده

بهرام مستقیمی*

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نبی الله ابراهیمی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۱۲ - تاریخ تصویب: ۸۸/۳/۹)

چکیده:

هدف اصلی این مقاله، بررسی مبانی و مفاهیم اندیشه ای سازمان القاعده است. شناخت این مبانی و مفاهیم خود می تواند اقدامات تروریستی این سازمان را نشان دهد. به عبارتی، بعد از عملیات یازدهم سپتامبر بدلیل اسلامی بودن این سازمان، رابطه دو سویه اسلام و تروریسم به طور رسمی وارد قاموس روابط بین‌الملل شد. پیوند گفتمان القاعده با وهابیت تندرو در شبه جزیره عربی و ارائه روایت‌هایی از اسلام، باعث معمای اسلام و تروریسم شده است. در همین راستا بررسی این رویداد از لحاظ علمی، یعنی کندوکاو اسلام سیاسی القاعده ضروری است. نوشتار حاضر، به بررسی مسئله تروریسم و چگونگی پیدایش سازمان القاعده، می‌پردازد؛ سپس مبانی هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی سازمان مزبور را مورد کند و کار قرار می‌دهد و در پایان با بررسی مفاهیم مورد اهتمام سازمان القاعده ارزیابی کلی مقاله را به اتمام می‌رساند.

واژگان کلیدی:

ترور- القاعده هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، اسلام سیاسی عربی

Email: bmgomi@ut.ac.ir

فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

* مسئول مقاله

برای اطلاع از دیگر مقالات این نویسنده که در این مجله، منتشر شده‌اند به صفحه پایانی همین مقاله نگاه کنید.

مقدمه

گسترش فرهنگ جهانی و سرمایه‌داری با مقاومت محلی در بخش‌های از جهان و ملت‌هایی که سعی کرده‌اند فرهنگ خود را از هر گونه تغییر و تحول عنان گسیخته مصون نگه دارند، روبرو شده است. در همین راستا، احیاگرایی دینی از دهه ۱۹۷۰ پدیداری جهانی بوده و بنیادگرایی مذهبی به مهم‌ترین علت شورش‌های داخلی و تروریسم بین‌المللی در بسیاری از نقاط جهان تبدیل شده است. بنیادگرایی نشانگر حس رو به رشد تنفر، نارضایتی، اعتراض، سرگردانی و بی‌ثباتی اجتماعی است که هر انسان و دولت روشن‌بین باید آن را مورد توجه قرار دهد. اگر بنیادگرایی با صبغه‌ی دینی و آموزه‌های مذهبی همراه شود آن گاه این رویکرد نتایج مبهم و گاه وحشتناک در پی خواهد داشت. چرا که آنگاه نتایج، معطوف به امر مقدس تقسیم می‌شود و قتل و کشتار توجیه دینی می‌شود. به عبارتی، امروزه تضاد بین فرهنگی غرب و اسلام به عنوان مقوله صلح و امنیت نظام بین‌المللی، بعد از جنگ سرد تبدیل شده است، چرا که، بنیادگرایان اسلامی به نام اسلام، غرب را هدف حملات تروریستی قرار می‌دهند. که البته این امر باعث سوءاستفاده قدرتهای غربی علیه اسلام و مسلمانان شده است. در همین راستا، با پایان جنگ سرد، ساموئل هانتینگتون بحثی را مطرح کرد که براساس آن، برخورد تمدن‌ها در شرف تبدیل شدن به علت اصلی منازعات بین‌المللی است.

هانتینگتون وجود تنشی را که بین غرب و اسلام، نشان داد. این تنش دربرگیرنده ابعاد سیاسی، ارزشی، فرهنگی و هویتی است. جهان اسلام در پی احیاءگری (خلافت)، جهانی شدن اسلامی است. در این میان، جنبش‌های معاصر جهان اسلام از اخوان المسلمین گرفته تا القاعده همگی به نحوی در پی به بار نشستن احیاءگری اسلامی و به عبارتی بازگشت به سلف صالح و دوران طلایی اسلامی هستند. این رویکرد بدلیل این که با موانع جدی روبرو شده است، و در همین ارتباط جنبش جدید القاعده را واداشته تا از ابزار خشونت و ترس و ترور برای نیل به اهداف خود استفاده نمایند (Barber, 1990, p, 107). به عبارتی این نوع از اسلام‌گرایی با استفاده از ایدئولوژی به نام اسلام سیاسی وارد کارزار روابط بین‌الملل شده است. البته اسلام سیاسی از نظر برخی پژوهشگران همچون "بابی سعید" به عنوان یک گفتمان معرفی می‌شود. ولی القاعده این گفتمان را به ایدئولوژی تقلیل داده است (بابی سعید، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

اسلام سیاسی القاعده، با استفاده از ابزار اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی، به نوعی به کسب هویت اقدام کرده است و تروریسم به عنوان بخش ذاتی درگفتمان القاعده، به مثابه امری مقدس تبدیل شده و در قاموس شهادت و احیای جنگ صلیبی علیه کفار توجیه می‌شود. اینجاست که بنیادگرایی اسلامی وارد دوره‌ای نوین بنام نوبنیادگرایی و در پیش گرفتن راه و

روش‌های تندرو و جدائی از آموزه‌های اصیل اسلامی که همان تساهل و تسامح است، شد (الهزاه، 2002/8/19).

این نوینادگرایی و توجیه ترور در سایه فرهنگ اسلام خود نمود سو استفاده از اسلام سیاسی و ابزاری کردن دین به دست القاعده را برای ما روشن می‌سازد چرا که اسلام‌گرایی سنتی و اصلاح‌گرایانه بعضی اوقات از اسلام سیاسی به عنوان گفتمان تغییر و اصلاح اجتماعی استفاده می‌کند. به عبارتی، اسلام‌گرایی اصلاح‌گرایانه از اسلام برای رسیدن به منویات سیاسی ماکیاولیستی دوری می‌گزیند و اسلام را در جهت اصلاح و تغییر خرج می‌کند. ولی اسلام سیاسی القاعده به نام اسلام می‌کشد و اعمال تروریستی را به انجام می‌رساند که در این راستا، بهتر است تا مفهوم اسلام سیاسی القاعده را مورد بررسی قرار دهیم.

قرار گرفتن اسلام سیاسی و مفاهیم مرتبط با آن یعنی سنت‌گرایی اسلامی، تجدید حیات اسلامی، بنیادگرایی اسلامی، رادیکال اسلامی در کانون توجه منتقدان غربی در دهه‌های اخیر سبب شده که ادبیاتی گسترده درباره درک هویت اسلام سیاسی شکل گیرد. اسلام سیاسی می‌تواند هم به عنوان ابزار اسلام‌گراها به خدمت گرفته شود و هم بنیادگراها صرف نظر از اختلافات میان اسلام شناسان در مورد کاربرد مفاهیم، جهت شناسایی جریان‌های اسلامی بایستی گفت که بین اسلام‌گرایی و بنیادگرایی اسلامی تفاوت زیادی وجود دارد. اسلام‌گرایی (ISLAMISM) اسلام را به عنوان بدنه اعتقادی و ایمانی فرد مسلمان معرفی می‌کند که می‌تواند سیاست و اجتماع را به نظم در بیاورد. در واقع، اسلام در نظر اسلام‌گراها، ضد مدرنیت نیست و علم و فناوری و ابزارهای مدرن را در راستای شکوفایی جامعه اسلامی به خدمت می‌گیرد (e.fuller.2004 pp.10-11). در مقابل، بنیادگرایی (که به واسطه توجه متفکران غربی به آن، جهت تعیین هویت سیاسی مورد توجه بوده است که با تعبیری نظیر سنت‌گرایی مذهبی، فعال‌گرایی، رنسانس اسلامی، بیداری اسلامی و متعصبین اسلامی همراه شده است) تک بعدی و ضد مدرنیت است. واژه بنیادگرایی از واژه Fundamentum به معنای شالوده و اساس است که نخستین بار از درون مذهب پروتستان مورد استفاده قرار گرفت. توسل به خشونت، ستیزگری با ارزش‌های غربی و اندیشه لیبرالی، جزم‌اندیشی، بازگشت‌گرایی، اقتدارگرایی از ویژگی‌های بنیادگرایی است.

در این راستا حسین نصر، معتقد است که اسلام‌گرایی سنتی با بنیادگرایی تفاوتی ویژه دارد چرا که حوزه دین را از حوزه دنیا جدا نمی‌کند ولی از قربانی کردن ارزش‌ها برای رسیدن به هدف امتناع می‌ورزد و استفاده از هرگونه دسیسه‌چینی سیاسی از منابع کاملاً ضداسلامی برای دستیابی به قدرت به نام اسلام را نامشروع می‌داند.

در اسلام سیاسی رادیکال، ما با اسلام به مثابه ایدئولوژی مواجه هستیم که درصدد است با ارائه مجموعه‌ای از گزاره‌های سیاسی و اجتماعی که به طور مطلق از فلسفه تاریخ استنتاج می‌کند جامعه را بسیج می‌نماید. این فرایند همان چیزی است که یکی از تحلیل‌گران آن را تبدیل آیه به شعار و ایدئولوژی در اسلام می‌داند که در کنش سیاسی ظاهر می‌شود (اشرف‌نظری، ۱۳۸۷، صص ۳۲۴-۳۲۰). در این راستا نیز جنبش اسلامی القاعده، اگرچه، به نوعی اسلام سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهد ولی همانطور که والر نویل (Waller Newel) استاد فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه کارتون اوتاوا می‌گوید: «اسلام سیاسی القاعده، به نوعی، استفاده از ابزار ایدئولوژی اسلام رادیکال، در مواجهه با غرب است».

از نظر والر نویل، شاخص‌ترین اندیشمند اثرگذار بر گروه‌های بنیادگرای اسلامی، فیلسوف آلمانی مارتین هایدگر (Martin Heidegger) است. به اعتقاد هایدگر تنها نازی‌ها می‌توانستند سنت و میراث گذشته آلمانی‌ها را بازگردانند. نازیسم برای پیشبرد اهداف خود و از بین بردن قفس آهنین مدرنیته و بازگشت به گذشته یا شکوه، فن اوری را به خدمت گرفت. این دیدگاه انقلاب پسا مدرنی، هایدگر به عقاید ژان پل سارتر و گروه‌های چپ فرانسه به بعد از جنگ جهانی دوم انتقال یافت و حتی برای دفاع از استالینیسیم و انقلاب فرهنگی چین گسترش پیدا کرد.

عقاید سارتر در کتاب پسا مدرنی نویسنده الجزایری فرانتس فانون (Ferants Fanon) یعنی دوزخیان زمین (The Wretched of the Earth) بازتاب یافت و از این جا نیز به دنیای رادیکال‌های خاورمیانه وارد شد. به نظر نویل بسیاری از ایدئولوژی‌های القاعده که به طور آشکار در اعلامیه اسامه بن لادن برای جنگ علیه آمریکا از سال ۱۹۹۶ به بعد آمده است، ترکیبی از این اعلامیه‌ها نشان می‌دهد. همان گونه که هایدگر می‌خواست مردم آلمان به دوران میانه، زندگی ورسای و جمهوری خون و روح (Blood & Soil collectivism) برگرداند و مدرنیته را نابود کند، اسامه بن لادن نیز رویای بازگردان دنیای خود به عصر طلایی اسلام در قرن هفتم میلادی، (خلافت اسلامی) را در سر می‌پروراند.

در همین راستا، حنیف جیمز الیور، اسامه بن لادن و اسلام سیاسی القاعده را بر مبنای ایدئولوژی موسوم به قطبیسیم (Qutbism) می‌داند، که هیچ ریشه در سنت اسلامی ندارد و بیش از آنکه ریشه در قرآن داشته باشد از فلسفه معاصر غربی و متفکرانی از قبیل نیچه، هایدگر، کیرکگارد، است (http://www.rtaf.mith/publications/Terrorism/thewahhabumith.php). (البته چنین نسخه پیچی برای کل سازمان القاعده تلقی نادرستی است چرا که موسسین القاعده بسیاری مبنای خود را از قرآن و سنت به عاریت گرفته‌اند، ولی با این تفاوت که تفاسیر آنها از متون مقدس با روایتی رادیکال انجام می‌گیرد). ولی از منظر غربی ها قطبیسیم این گونه تعریف

می شود. "قطب همانند همه ایدولوگ‌های بنیادگرا به طرز غیرقابل انکار مدرن است. به نظر وی پیروان سیدقطب، خوارج زمان هستند و همانند آنها، قرآن و سنت را به دلخواه و شیوه خاص خود تفسیر می‌کند این همان گفتمانی است که نه با اسلام سنتی و نه با اسلام سیاسی معمول در جهان تسنن و تشیع سازگاری دارد" (شیخ احد، بهار ۱۳۸۷، ص ۲۰۱).

به این ترتیب، با توجه به بررسی کلی از تفاوت اسلام سیاسی اسلام گراها از بنیادگرای اسلامی که ریشه در افکار قطب و اندیشمندان غربی دارد به مرور مفاهیم و مبانی اسلام سیاسی القاعده می‌پردازیم. در این راستا، لازم است تا مفهوم ترور و تروریسم را در گفتمان القاعده روشن کنیم که این امر مستلزم کندوکاو تبارشناسی سازمان القاعده است. لذا، مبانی هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی اسلام سیاسی القاعده نیز بایستی از منظری نظری بررسی شود و در پایان تفاوت اسلام سیاسی القاعده با اسلام سیاسی شیعه یا اسلام سیاسی کلاسیک عربی را بررسی نماییم.

تعریف تروریسم و تحولات آن

توافقتنامه اتحادیه عرب درباره مبارزه با تروریسم و تعریف مقاومت در (۲۲ آوریل) ۱۹۹۸ با چهار باب و ۴۲ ماده، در بند دوم ماده اول، می‌گوید: «ترور را می‌توان اقدامی با اهداف آرمانی تعریف کرد که قصد دارد با اعمال خشونت یا تهدید به ایجاد وحشت در میان مردم برای آزار و تهدید زندگی، آزادی و امنیت آنها بپردازد. این بند در ادامه می‌افزاید، خسارت به اموال عمومی یا خصوصی، تصرف و تعدی به آنها می‌تواند بعنوان عملی تروریستی قلمداد شود.^۱

اما واژه ترور و تروریسم با کمی تفاوت و بدون استثناء در فرهنگ غربی این گونه تعریف می‌شود: «واژه ترور به معنای ترس و وحشت است. تروریسم نیز عملی برای کاربرد و تهدید و فشار بر روی دولت با هدف تغییر سیاسی است. (حسین، ۲۰۰۷، ص ۱۰۷).

تا قبل از ۱۹۸۰ این مفهوم یعنی تروریسم، عمدتاً ناشناخته بود. از زمان حمله به سفارت ایالات متحده در بیروت، آوریل ۱۹۸۳، بود که این موضوع توجه جهانیان را برانگیخت. اقدام‌های تروریستی از ۳۱ مورد در سال ۱۹۸۰، به ۱۴۰ مورد در سال ۱۹۹۰ و ۵۳ مورد در ۲۰۰۱-۲۰۰۰ رسید.

^۱ در راستای تعریف تروریسم، ماده دوم از توافقنامه اتحادیه عرب میان مقاومت و ترور استثنائی قائل شده است بدین معنی که مبارزه مسلحانه علیه اشغال خارجی و مبارزه به خاطر آزادی، طبق حق سرنوشت حقوق بین‌الملل نمی‌تواند عملی تروریستی محسوب شود. باب دوم از توافقنامه براساس همکاری عربی به مبارزه علیه تروریسم و باب سوم ابزار اجرای توافقنامه و باب چهارم به کارکردهای پایانی می‌پردازد.

از همه مهمتر این که ترویسیم زمانی صرفاً مسئله‌ای سیاسی بود، ولی امروزه به مسئله‌ای مذهبی- سیاسی و یا هویتی تبدیل شده است. به عبارت دیگر، ما شاهد ترویسیم نو با آموزه‌های مذهبی هستیم. مثلاً در فتوای مشهور بن لادن علیه ایالات متحده می‌خوانیم که می‌گوید «کشتن آمریکایی‌ها و متحدان آنها - نظامیان غیرنظامیان- وظیفه‌ای فردی هر مسلمانی است که می‌تواند مبادرت به این اقدام در هر کشور با هر وسیله ممکن کند. این اقدام فرد مسلمان جهت آزادسازی بیت‌المقدس و بیت‌الله الحرام (مکه) (Holy Mosque (Mecca)) و عقب‌نشینی از تمامی کشورهای اسلامی خلاصه می‌شود (A Pape 2003 PP. 443. 46).

از نظر نویسندگان این مقاله، ترویسیم موضوعی است که در اجتماع شکل گرفته و این مفهوم، به صورت اولیه برگرفته از ریشه‌های هستی‌شناسی می‌باشد که کنش را معنا می‌دهد. ترور، کنشی اجتماعی، سیاسی برای به باز نشان دادن گفتمانی است که به حاشیه رفته. به عبارتی، نشان دادن گفتمان مغلوب به متن است. تروریست به نوعی با ابزارهای شناخت خویش دست به یک نوع ساخت اجتماعی واقعیت می‌زند. تروریست در پی احیای هویتی است که بر اثر کنش‌های اجتماعی استحاله یافته است. رابطه میان هویت و ترویسیم رابطه‌ای دو سویه است. هنجارها و ارزش‌ها انگاره‌ها همگی بعنوان یک ساخت اجتماعی و در چارچوب بعد هستی‌شناسی و گفتمان، کنش تروریستی را معنا می‌دهند. پس درکل، مفهوم ترویسیم، موضوعی بینادهنی و متأثر از ابعاد هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی است.

در اینجا است که ترویسیم نو با ابعاد دینی و مذهبی وارد حوزه مطالعات روابط بین‌الملل شده است، این اقدام رهبر القاعده و فتوای کشتن عامل اشغال سرزمین‌های اسلامی در واقع از جهانی شدن ترویسیم خبر می‌دهد. برای کند و کاو و تحلیل اقدامات القاعده و تجزیه و تحلیل گفتمانی این سازمان و شاخه‌های آن لازم است به تبارشناسی سازمان مزبور بپردازیم. چرا که مفهوم ترویسیم در گفتمان القاعده با اسلام سیاسی توجیه و تفسیر می‌شود که می‌بایست به این تحلیل غلط که اسلام و ترویسیم با هم همگام شده را رد نمود و تفسیری نو در نگاه روابط بین‌الملل به اسلام سیاسی ارائه داد.

تبارشناسی سازمان القاعده

پس از اشغال افغانستان، به تشویق ایالات متحده و هم پیمانانش، مسلمان سراسر جهان دسته دسته به پاکستان رفتند تا در جهاد علیه اتحاد شوروی به مجاهدین افغان بپیوندند (جهاد بعنوان یکی از مبانی هستی‌شناسی القاعده به طور مفصل مورد بحث قرار خواهد گرفت). در سال ۱۹۸۲ دکتر عبدالله عزام، یک شهروند فلسطینی همراه با گروهی از رهبران روحانی سازمانی را به نام «مکتب الخدمه» در پیشاور پاکستان تاسیس کرد. اسامه بن لادن دستیار عزام

بود. این سازمان به مجاهدین کمک‌های مالی لجستیک و دیگر کمک‌ها را فراهم می‌کرد. بخش اصلی کمک‌ها را اسامه بن لادن^۱ که خانواده پولداری دارد، تامین می‌کرد.

اسامه بن لادن در سال ۱۹۸۶ پایگاه خصوصی‌اش را در نزدیک یک قلعه از نیروهای شوروی در روستائی بنام (حاجی) در شرق افغانستان در حدود شانزده کیلومتری مرز پاکستان ایجاد کرد. او در یک حرکت نمادین، این پایگاه را مصادره و «غارشیر» نام نهاد. این نام از نام خود اسامه به معنای شیر عاریت گرفته شده است. در بهار سال ۱۹۸۷، اسامه بن لادن جنگی سخت و تن به تن با نیروهای شوروی در حاجی داشت. این زدوخورده حاجی در رسانه‌های جهان انعکاس گسترده یافت و بسیاری هم آن را به صورت اغراق‌آمیز برجسته ساختند. برای اسامه، این نخستین مزه شعله آتش بود. ابوحنظله و ابوعبیده، پیکارجویان مصری در این مبارزه در کنار او جنگیدند. دیری نگذشت که اسامه با یک پزشک مصری دوست شد. نام این دکتر ایمن الظواهری است که در منطقه اطراف پیشاور، مجاهدین را معالجه می‌کرد. در راستای فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی گروه مزبور، برای نخستین بار در آوریل ۱۹۸۸، مجله جهاد، نام القاعده یا «بنیاد» از سوی دکتر عبدالله عزام بکار برده شد. نظریه عزام این بود که سازمانی تاسیس شود تا خدمات اجتماعی به مسلمانان ارائه دهد و بعنوان یک بنیاد برای بیداری مسلمانان کار کند. هیچ‌گاه هدف او تشکیل القاعده در قالبی با ساختار نظامی نبوده است (مشرف، صص ۱۸۰-۱۷۰).

در واقع نام کاملی که از سوی عزام استفاده شده بود، القاعده، الصلیب یا «بنیاد پایدار» بود. اسامه بن لادن، نام پیشنهادی عزام را گرفت و القاعده را بدون واژه «الصلیب» تشکیل داد. سال در فوریه ۱۹۹۸، نه سال پس از تاسیس القاعده، اسامه بن لادن، یک سازمان زیر نام جبهه جهانی اسلام ایجاد کرد. هدف آن مبارزه علیه اشغال فلسطین به دست اسرائیل بود. از طرفی دیگر القاعده یک سازمان تندرو و چندملیتی است که اعضای آن از کشورهای مخلف از جمله مصر هستند. انفجار دو سفارتخانه ایالات متحده در نایروبی پایتخت کنیا و دارالاسلام پایتخت تانزانیا (۱۹۹۸) نشان از گسترش حوزه نفوذ این سازمان و رای شبه جزیره عربی بود. البته رغم این که، سفارت ایالات متحده در دارالاسلام یکی از مراکز مهم جاسوسی کاخ سفید در جهان بود. در این مرحله، البته رویارویی امریکا با سازمان القاعده وارد مرحله‌ای نو شد. پس از بمباران کارخانه داروسازی در سودان که به نظر کارشناسان امریکایی محل خرابکاری القاعده

^۱ - اسامه از مادری سوری و پدری یمنی (در منطقه حضرموت یمن) متولد شد. او تحصیلات خود را در رشته مدیریت و در کار ساخت و ساز ساختمان در عربستان آغاز کرد و کم‌کم به ساختار سیاسی و اقتصادی آل‌سعود نزدیک و به عنوان چهره‌ای شناخته شده در دستگاه سیاسی عربستان تبدیل شد، عربستانی‌ها اسامه را در جنگ علیه شوروی حمایت می‌کردند

بود، حملات به پایگاه‌هایی القاعده در افغانستان، خط آتش میان القاعده و ایالات متحده را گشود (ابراهیم: <http://www.aljazeera.net.2007/5/17.1427/4/19>)

تحركات و عملیات تروریستی القاعده به تدریج رژیم طالبان را که مامن القاعده پس از اخراج آنان از سودان بود با مشکلاتی در روابط خارجی مواجه ساخت. عربستان نیز که در زمره حامیان رژیم طالبان قرار داشت خواستار دستگیری بن‌لادن شد و مذاکراتی را در این زمینه با آنان انجام داد. با وجود این، تحریم‌های سازمان ملل و در نهایت حملات آمریکا به پایگاه‌های بن‌لادن در خاک افغانستان، طالبان را در دادن پاسخ منفی به فشارهای بین‌المللی مصمم نمود (اشجع زاده، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

عملیات یازدهم سپتامبر و تغییر تشکیلاتی القاعده

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، ۱۹ تروریست مرتبط با القاعده [عربستانی و مصری] ۴ هواپیما را در خطوط هوایی آمریکا ریوندند که دو فروند از آنها با برج‌های دو قلوئی مرکز تجارت جهانی نیویورک برخورد کرد، سومی به ساختمان پنتاگون اصابت کرد و هواپیمای چهارم که مقصد آن کنگره یا کاخ سفید بود، قبل از اجرای عملیات سقوط کرد. این حملات بیش از ۳۰۰۰ کشته بر جای گذاشت.

پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده تصمیم به سرنگونی رژیم طالبان گرفت. سران القاعده در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان متواری و به جز چند تن از آنها دستگیر شدند، سایرین هم چنان در اختفا به سر می‌برند (شکبشی، ۲۰۰۷، العدد ۱۰۵۱۴).^۱ این رویداد باعث شد تا سازمان مزبور به دلیل بین‌المللی شدن ماهیت اقدامات خود دست به تغییر تشکیلاتی گسترده‌ای جهت مقابله با جامعه بین‌المللی و دولت ایالات متحده بزند.

سازمان القاعده امروزه با تشکیلات عریض و طویل خود، مانند شبکه‌هایی سراسر خاورمیانه را دربر گرفته است. این شبکه تا حدود زیادی به علت دامنه و وسعت اقدامات خود دچار تغییر و تشکیلاتی شده است. بعد از یازدهم سپتامبر و اشغال افغانستان و عراق بدست نیروهای آمریکایی، القاعده دچار تغییر تشکیلاتی شدیدی شد. در این رابطه کریستور رویتر، خبرنگار روزنامه آلمانی اشترن، در تشریح ارتباطات این گروه، القاعده را به مک دونالد شبیه می‌داند، که همه جا شعبه‌ای دارد. هر جا مسلمانان مسلح را سازماندهی می‌کنند، خواه این گروه علیه یک قدرت اشغالگر ملحد باشد و خواه شیعیان، اعضای القاعده در آن نفوذ

^۱ - القاعده از نظر شکبشی مانند حشایش که از ماده حشیش در راستای اقدامات خود استفاده می‌کردند، از مواد مخدر (تریاک) هم استفاده می‌کنند و هم تجارت. حشایش در کوه‌های الموت اقدامات خود را سازماندهی می‌کردند و القاعده در کوه‌های تورابورا.

می‌کنند و تخصص خود را در زمینه ساخت و بمب و مواد سمی، تاکتیک‌های جنگی چریکی و جذب کمک‌های مالی به آنها ارائه می‌دهند (Reuter, 2004, p. 146).

در واقع ارائه اسلام سیاسی از سوی القاعده، باعث جذب هزاران جوان عرب در کشورهای دیکتاتوری عرب شده است. امروزه جوانان عرب، اسلام سیاسی را تنها راهکار برای از میان برداشتن حاکمانی می‌دانند که سالها بدون پشتوانه مردمی و مذهبی و با حمایت خارجی‌ها حکومت می‌کنند. گفتمان القاعده، با هدف شعار «تغییر» در کشورهای سنتی عرب، امیدی برای جوانان عرب ایجاد نموده که اسلام سیاسی القاعده مورد اهتمام آنها قرار گرفته است، بنابراین تغییر تشکیلاتی سازمان فوق و گسترش آن در این راستا صورت گرفته است. چرا که سران القاعده می‌دانند امروز در دنیای عرب جایگزینی برای اصلاح و تغییر به جز اسلام سیاسی عربی وجود ندارد.

در عراق، این سازمان با توجه به گفتمان ضد امریکایی و ضد شیعی اهل سنت عراق، فرصت را مغتنم شمرد و سازمان «القاعده در بلاد رافدین» را بنیان گذاشتند. ابومصعب الزرقاوی یکی از رهبران اصلی تکفیرگرایان در عراق بود، که در شب حمله امریکا به وزیرستان، آنجا را به مقصد عراق ترک گفت و به مطرح‌ترین مسئول مقاومت بدل گشت. الزرقاوی به طور علنی از بن لادن حمایت کرد و مبارزانی در کنار او گرد آمدند که بیشتر هم خارجی بودند، بنابراین شاخه عراقی القاعده را تشکیل دادند و خیلی سریع وضعیت عراق مشابه وزیرستان و افغانستان شد. هلال آشوب از سومالی تا افغانستان، از عراق تا لبنان با گذر از فلسطین ترسیم می‌شود، وجه بارز این هلال، ضعف دولت‌ها، و نقش فزاینده گروه‌های مسلحی است که به تسلیحات کارآمد مجهز می‌باشند (بویژه راکت و موشک) و از تمامی نظارت‌های متمرکز آزادند. این مناطق از دید ایالات متحده به صحنه‌های اصلی «جنگ جهانی سوم و نبرد علیه تروریسم بدل گشته‌اند». این دیدگاه راهبرد و تشکیلات القاعده را تقویت می‌کند که خود را معطوف به نبرد مرگبار علیه صلیبیون و یهودیان ساخته‌اند (سلیم شهزاد: <http://www.Ariya.com> (2007/3/17)).

جریان سلفی - جهادی وابسته به القاعده در عراق امروز خشن‌ترین و متعصب‌ترین اندیشه را نمایندگی می‌کنند، تکفیری‌ها گروه‌های زیر را دربرمی‌گیرند:

۱- سازمان القاعده در سرزمین رافدین (میان رودان)؛

۲- مجلس شورای مجاهدین در عراق؛

۳- ارتش السنه؛

۴- گروه‌های ابوحنیفه مصری.

اعضای این چهار گروه، عمدتاً افرادی از کشورهای عربستان، مغرب سودان و اردن هستند که قبل از حمله آمریکا به عراق، در آن کشور مستقر شدند و پس از حمله آمریکا سازماندهی و آماده عملیات علیه نیروهای غربی شدند. این گروه‌ها پس از تغییرات اساسی در عراق هدف خود را انتقام از شیعیان و نیروهای امریکایی متمرکز ساختند پس از کشتن الزرقاوی بدست آمریکائی‌ها، البغدادی رئیس القاعده در عراق است (-القاعده فی‌العراق: <http://www.Mostakbaliat.org/index.Htm>).

القاعده انشعابات دیگری مانند القاعده در شام یا القاعده در مغرب عربی نیز دارد. بعنوان مثال پدیده فتح‌الاسلام در لبنان به رهبری العبسی، خود نمود گسترش حوزه القاعده در جهان اسلام بویژه در خاورمیانه است. یا در مغرب عربی انفجارات الجزایر تقویت شعبه القاعده در مغرب عربی، در کوه‌های الجزایر یا بعهدہ گرفتن انفجارات یکم سپتامبر ۲۰۰۷ در الجزیره، این نگرانی را پیش از پیش تقویت می‌کند که خطر القاعده امروزه نه برای غربی‌ها بلکه برای دولت‌های ملی در خاورمیانه جدی است. (القاعده تبنی انفجارات فی‌الجزایر: [http://www.. Alarabiya.net](http://www..Alarabiya.net) 2007/5/3). پس در اینجا متوجه می‌شویم که هدف و گفتمان سازمان القاعده با هویتی بنام اسلام سیاسی گره خورده است که کندوکاو این اسلام سیاسی بسیار مهم تلقی می‌شود. به عبارتی، تمام تغییر تشکیلاتی و اقدامات سازماندهی شده از طرف سازمان القاعده برای مواجهه با غرب به نوع اسلام سیاسی آن برمی‌گردد، که بررسی ریشه‌های فکری، مفاهیم و مبانی این ایدئولوژی مهم است. پس صرف نظر از تبارشناسی سازمان القاعده و دیگر تحولات تشکیلات مزبور که در بالا به آن اشاره شد، بهتر است تا از لحاظ نظری، مبانی و مفاهیم اساسی اسلام سیاسی القاعده را مورد کند و کاو قرار دهیم. برای پی بردن به ابعاد هستی‌شناسی اسلام سیاسی القاعده لازم است، نخست تعریفی از هستی‌شناسی ارائه دهیم و سپس آن را در چارچوب گفتمان القاعده تشریح نمائیم.

هستی‌شناسی اسلام سیاسی القاعده

یکی از ابعاد فرانظری در روابط بین‌الملل بعد هستی‌شناسی Ontological است که به تعبیری زمینه اکتشاف Context of Discovery یا مقام گردآوری است و به مفروضه‌های بنیادین در خصوص جوهر سیاست بین‌الملل بعنوان عرصه‌ای خاص از عمل سیاسی اشاره دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ص ۹). از لحاظ نظری، هستی‌شناسی اسلام سیاسی القاعده نیز بدلیل این که با امنیت و سیاست بین‌الملل رابطه‌ای تنگاتنگ بویژه بعد از یازدهم سپتامبر پیدا کرده، می‌تواند مورد کندوکاو قرار گیرد. به عبارتی، رویه‌های گفتمانی که واحدهای بنیادین واقعیت و تحلیل،

یعنی واحدهای پایه هستی‌شناسی را شکل می‌دهند، می‌تواند رویه‌های هنجاری، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی و انگاره‌های مورد اهتمام نوبنیادگرائی باشد.

یکی از مفاهیم مورد اهتمام اسلام سیاسی القاعده که چالش نو را بین اسلام سیاسی و حاکمان کشورهای اسلامی بوجود آورده، نظام حکومت است که، در جهان اسلام، بعنوان یکی از ابعاد هستی‌شناسانه است (سید قطب ص ۵۶). «یا ایهاالذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» «از خدا و رسول و صاحبان امر خود اطاعت کنید» (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۹). به عبارتی هر حکومتی که شریعت اسلامی در آن اجرا شد حکومت دین است. هر حکومت به هر صورت و عنوانی باشد تا زمانی که شرع اسلام در آن اجرا شود، حکومت اسلامی است چرا که هر حکومتی که این شریعت در آن اجرا نشود، مورد پذیرش اسلام نیست اگر چه هیئتی دینی بر آن حاکم باشد یا عنوانی اسلامی به خود داشته باشد (سید قطب، الاسلام العالمی، ۱۳۷۳، ص ۷۷). از دیگر مباحث هستی‌شناسی اسلام سیاسی القاعده، هنجارها و ارزشهای اسلامی است. هنجار به عنوان یک ساخت اجتماعی عبارت است از:

«معیاری برای رفتار مناسب در نزد کنشگران با یک هویت مشخص» که می‌تواند در مورد بنیادگرایان افراطی هم صدق کند. هنجار مثلا در یک چرخه حیات، به عنوان امری اجتماعی و بین‌الذهانی ظهور می‌نماید و سپس همانطور که «کاتزشتاین» می‌گوید، «به مثابه آبشاری جاری می‌شود و نهایتاً توسط دولت‌ها داخلی می‌گردد»، هنجارها خود با اجتماعی شدن، کنش را معنا می‌بخشند (Finnemore and sikkin 1998, pp. 887- 917).

هنجار اسلامی نیز با معیارهای خود، خواهان کنش فرد مسلمان در چارچوب و ضوابط اسلام است و این امر را بایستی هم جامعه و هم دولت اجرا کند.

تشکیل دولت اسلامی نیز طبق این رویکرد هستی‌شناسانه، بایستی صورت بگیرد. یکی از باورهای مهم اسلام سیاسی القاعده (نوبنیادگرائی) که حمله‌ای به اسلام سنتی و اسلام‌گرایان است این اعتقاد است که فلسفه واقعی و حقیقی اسلام را نباید نزد ابن‌سینا و ابن‌رشد یا فارابی و امثال آنان و از کسانی طلب نمود که فلاسفه اسلام خوانده می‌شوند. به اعتقاد القاعده و رهبران آن، فلسفه اینان، سایه‌هایی از فلسفه یونانی است که برحسب حقیقت با روح اسلام بیگانه است. فکر اصیل و ناب اسلام درباره اصول نظری آن را باید از قرآن، حدیث، سیره و روش علمی پیغمبر (ص) جستجو کرد (سید قطب؛ پیشین، ص ۴۲).

یکی دیگر از ابعاد هستی‌شناسی اسلام سیاسی القاعده و شاید مهم‌ترین آن، مسئله جهاد باشد که به تفصیل آن را بیان خواهیم کرد. جهاد از نظر اسلام سیاسی القاعده، همانطور که گراهام فولر می‌گوید: استثناگرایان جهان اسلام، اجازه می‌دهند که با ابزارهای تحلیلی جهان را شالوده‌شکنی کنند. مقاومت و جهاد در اسلام به مثابه چرخه‌ای اجتماعی و جنبشی سیاسی در

جهان اسلام است که به نظر می‌رسد خود اسلام در برابر جهان توسعه یافته ارائه می‌کند. این جهاد بیشتر به نوعی احیای منزلت اسلام قدیم است. جهاد، نوعی مفهوم اجتماعی است که هر فرد مسلمان در زندگی خصوصی و زندگی اجتماعی و سیاسی بایستی آن را مورد توجه قرار دهد. یکی جهاد با نفس و یکی جهاد با کفار. جهاد با کفار از نظر هستی‌شناسی با موجودیت فرد مسلمان ارتباط پیدا می‌کند. این مفهوم، جهان اسلام، مسلمانان و معتقدان را در هر زمان علیه کشمکش داخلی و خارجی فرا می‌خواند که به نوعی با امنیت هستی‌شناسانه جامعه اسلامی ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند (A. Kazmi, 2004, 245-54).

در این راستا، بن لادن در فوریه ۱۹۹۸ (به نام جبهه جهانی اسلام) اعلام جهاد کرده بود. وی در اعلامیه خود روشن ساخت که منظور وی از جهاد نه معنای اخلاقی آن که مورد توجه برخی توجیه‌گران مدرن است بلکه معنای کلاسیک و سنتی آن یعنی جنگ مقدس علیه مرتدان و کفار (مرتدان البته همانا حکمرانان کنونی بیشتر کشورهای اسلامی هستند که با عنوان از اسلام بازیچه دست حامیان و پشتیبانان کافر خود تلقی می‌شود) است. در این بیانیه، وی از پیروان خود خواست که آمریکائی‌ها و متحدان غیرنظامی و نظامی‌شان را بکشند. بن لادن می‌گوید: «به یاری خداوند، ما از همه‌ی مسلمانان که به خدا باور و امید به پاداش دارند، می‌خواهیم: که به پیروی از فرمان خداوند، امریکایی‌ها را بکشند، و اموال آنها را هر جا و هر زمان که یافتند مصادره کنند. همین‌طور از علما و رهبران، جوانان و سربازان مسلمان می‌خواهیم تا به ارتش شیطان صفت امریکایی و متحدان آنها که یاری دهندگان شیطان هستند، حمله کنند». او در ادامه می‌افزاید برای آنهائی که به این فراخوان پاسخ دادند، این ستیز آشکارا یک جنگ تا دم مرگ، بین مسلمانان و غیرمومنان است.

برای اسامه بن لادن و گروه وی، انگیزه نخست و فوری مرحله کنونی، حضور نظامی امریکا در عربستان است. سرزمین مقدس مسلمانان که پیامبر در آن زاده شد، زیست و درگذشت، جایی که قرآن آخرین پیام الهی را برای پیشرفت آورد و جایی که نخستین دولت اسلامی را پیامبر بنیان گذاشت و اداره کرد. بن لادن در بیانیه خود می‌گوید:

«بیش از ۱۰ سال است که ایالات متحده سرزمین‌های اسلامی را در مقدس‌ترین قلمرو آن، عربستان اشغال کرده، ثروت‌های آن را تاراج کرده، حکمرانان آن را به انقیاد درآورده، مردم را تحقیر کرده، همسایگانش را مورد تهدید قرار داده و از پایگاه‌های خود در شبه جزیره، بعنوان سکوی پرشی جنگی علیه ملل مسلمان اسلامی، استفاده می‌کنند» (لوئیس، صص ۳۴-۲۳۳). این ابعاد مهم هستی‌شناسی می‌تواند تحلیل درستی از مبانی کلی گفتمان القاعده و ارائه یک شکل از اسلام افراطی و ضد غربی امکان‌پذیر سازد. در ادامه این مباحث، مبانی شناخت‌شناسی اسلام سیاسی القاعده، شاید بتواند تحلیل کامل‌تر و جامع‌تری را از تفکر و اندیشه اسلام

سیاسی القاعده را ارائه دهد. چرا که یک فرد مسلمان بدون شناخت نمی تواند اقدامی یا کنشی را به انجام برساند که توجیح کننده نتایج آن باشد.

شناخت‌شناسی و اسلام سیاسی القاعده

معنای لغوی شناخت‌شناسی عبارت از علم یا فلسفه شناخت است. به گفته بلیکی، شناخت‌شناسی معطوف است به «ادعاها یا فرض‌هایی درباره شیوه‌هایی که سبک شناخت در مورد واقعیت را امکانپذیر می‌کنند. به بیانی کوتاه‌تر اگر هستی‌شناسی می‌پرسد که «چه چیزی برای شناختن وجود دارد؟ پرسش شناخت‌شناسی این است که «شرایط کسب درباره آن چه وجود دارد چیست؟ شناخت‌شناسی با مسائلی از این قبیل سروکار دارند که تا چه اندازه می‌توانیم در مورد نتایج یقین مشروع داشته باشیم، که می‌خواهیم از تحلیل‌های خود بدست آوریم. ادعای مربوط به شناخت خاص و معین را تا چه اندازه می‌توان به حوزه‌ای فراتر از بستری که مشاهدات ما در چارچوب آن صورت گرفته‌اند، تعمیم داد و به بیان کلی، چگونه می‌توانیم درباره تبیین‌های سیاسی رقیب و متعارض داوری و از مرجع بودن یکی از آنها دفاع کنیم (های، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹).

این تعریف جامع از شناخت‌شناسی، می‌تواند ما را به ارائه یک چارچوب مناسب برای درک شناخت شناخت‌شناسی اسلام سیاسی القاعده سوق دهد. اگر چه فلاسفه اسلامی مانند ملاصدرا و ابن سینا راه‌های شناخت را متکثر و چند بعدی می‌انگاشتند ولی نوبینادگرایان اسلامی بر تک بعدی بودن شناخت تاکید می‌ورزند. یکی از مباحث شناخت‌شناسی نوبینادگرایان (القاعده) مسئله تاریخی است. آنها تاریخ را ابزار شناخت یک فرد مسلمان می‌دانند.

تفکرات سلفی‌گرایانه القاعده معتقد است که شناخت اسلامی را نباید در چارچوب تفکرات پراگماتیسم آمریکائی یا حتی فلسفه اسلامی ابن سینا و ابن رشد که اقتباسی از فلسفه یونانی است، اقتباس کرد. بلکه دیدگاه اسلامی درباره هستی و زندگی انسان، لازمه و شناخت اسلامی محسوب می‌شود. چرا که شناخت اسلام با شناخت فلسفه و یا آمیخته‌ای از الهام نزدیک‌تر است تا پراگماتیسم.

ادبیات و متون و نص اسلامی یکی دیگر از منابع اصلی شناخت اسلام سیاسی القاعده، محسوب می‌شود. مثلا ادبیات کلاسیک عرب و اسلام سرشار از تصورات اسلامی به شکل خاص و از ضروریات است. ادبیات و قصص اسلامی، حدیث و غیره رابطه‌ای دوسویه با ارزش‌ها دارد، چرا که این ارزش‌ها در محیط‌ها، در میان افراد و اعضا گوناگون است. ادبیات و هنر ناشی از تصور اسلامی، لحظات ضعف بشری را به خاطر وجود و وقوع آن قبول نمی‌کند

و نمی‌گوید که چون وجود دارد باید آن را پذیرفت. وقتی ادبیات از تصور اسلامی سرچشمه گرفت دارای توجیه صحیح است، زیرا اسلام جنبش دائمی برای تحول و پیشرفت زندگی است (سید قطب، پیشین، صص ۳۹۶-۳۹۴).

نص و متون قرآنی، یکی دیگر از منابع اصلی شناخت‌شناسی اسلام سیاسی القاعده است. این تفکر که میراث وهابیت در شبه جزیره عربستان است و به گفتمان نوین‌دگرایان و القاعده تسری یافته در واقع تحولات و توجیحات اجتماعی سیاسی را ولو به طور ابزاری با تفاسیر مختلف قرآنی توجیه می‌کنند.

بسیاری از عملیات انتحاری در کشور عراق یا کشورهای دیگر، علیه نیروهای خارجی با همین تفسیر صورت می‌گیرد. این گفتمان القاعده خود سرچشمه از اصل «قاعده نفی سبیل» است که براساس آن غیرمسلمانان نباید بر مسلمانان سلطه پیدا کنند. چون به نحوی با همان ارزش عدالت و این که سلطه قابل پذیرش نیست، مرتبط است. در مورد عمل و شناخت‌شناسی، بسیاری از عملیات صورت گرفته علیه شیعیان در عراق یا امریکائی‌ها بر مبنای همین شناخت جوانان عربستانی صورت می‌پذیرد. چون ابزار شناخت جوان سعودی تفسیر تاریخ و متن از طریق اسلام سیاسی القاعده است.

در همین راستا، سید قطب پدر فکری اسلام سیاسی القاعده، تاریخ را شاخه‌ای از ادبیات می‌داند، زیرا تاریخ، تفسیری از وقایع زندگی است که حتما تحت تاثیر فلسفه و تصور کلی از زندگی قرار گرفته است. سرانجام چنین تفکری منجر به تکوین فکری ویژه در مورد زندگی می‌شود که امتیاز اختلاف اساسی با تصور اسلام درباره تاریخ و زندگی دارد (موتقی، ۱۳۸۰: صص ۱۷۰-۱۶۵).

این نوع تاریخ اسلامی یک آئینه تمام نما از همه اوضاع و احوالی است که پذیرش‌های واقع در زمان ظهور اسلام از آن ناشی می‌شود (لوئیس، پیشین، ص ۳۸).

در اینجاست که تاثیر مبانی هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی اسلام سیاسی را القاعده را که در بالا به آن اشاره شد، مشاهده نمودیم که از این رهگذر می‌توان اقدامات سازمان مزبور را تحلیل کرد. با این مبانی، ما مرز عمل و تئوری در سازمان القاعده را مشخص ساختیم.

پس از بررسی مبانی هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی اسلام سیاسی القاعده بهتر است به طور کلی و اجمالی مفاهیم مورد توجه این گفتمان را مورد بررسی قرار دهیم که رابطه تنگاتنگی با مبانی شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی آنان دارد. شاید این مفاهیم اصلی‌ترین مفاهیم مورد بررسی ما باشند که با مسائل روابط بین‌الملل یا حتی مطالعات منطقه‌ای مرتبط شوند. این مفاهیم عبارتند از ۱. رافضی‌ها، ۲. صلیبی‌ها، ۳. اسلام سیاسی عربی.

الف- رافضی‌ها

یکی از مفاهیم مورد اهتمام القاعده و نوپنیدگرایان و وهابیان مفهوم رافضی‌ها است. منظور از این مفهوم شیعیانی است که به عقیده آنان از دین خارج شده و دین اسلام را منحرف کرده‌اند. شیعیان به پیروان امام علی (ع) گفته می‌شود که بر سر خلافت بعد از حضرت محمد (ص) با سنی‌ها اختلاف دارند. اگر چه اصل اختلاف شیعه و سنی بر سر جانشینی حضرت محمد(ص) است، ولی به نظر می‌رسد که ریشه اساسی اختلاف میان القاعده یا وهابیان با شیعیان به هويت شیعیان می‌رسد. اگر چه شیعیان عراق، عرب و شیعیان ایران، فارس و ترک هستند، نسل دوم القاعده در عراق یعنی نسل الزرقاوی، شیعیان را با هویتی ایرانی، فارسی و مجوسی خطاب می‌کنند.

براین اساس، اختلاف آنان با شیعیان، به جز عنصر مذهبی به عنصر هویتی فارسی و عرب برمی‌گردد. ولی این نکته را بایستی متذکر شد که شیعیان دوازده امامی در قرون اولیه، از عربها بوده‌اند و در همان زمان فارس‌ها سنی بوده‌اند. قدر مسلم تاریخی این است که فارس‌ها و اکثر اهالی ایران از اهل سنت بودند. ابن خلدون با ستایشی از فارس‌ها در مقدمه خود متذکر می‌شود که رهبران مذهب اهل سنت، همگی ایرانی هستند. اهالی ایران در قرون متاخر، به مذهب دوازده امامی گرویده‌اند. پس عنصر پان‌عربیسم که ریشه در نسل دوم القاعده در عراق دارد، درگفتمانی ضد ایرانی و شیعی گسترش پیدا کرده است (یحیی‌العماد، ۲۰۰۲، ص ۱۵۸).

آن چه سبب میشود وهابیون و القاعده با خطا بروند این است که به عقیده آنها منابع دوازده امامی (شیعه) به تفکر زرتشتی یا به یهودیت یا مسیحیت برمی‌گردد.

ولی این مشکل گروه وهابیون است چرا که شناخت آنها شناختی سطحی است در حالی که شناخت شیعه امامی، شناخت تحلیلی است. این در حالی است که بعد از سقوط دولت عثمانی بسیاری از علمای اهل سنت بر ضرورت احیاء روش‌های قدمای اهل سنت بر تعامل با شیعه پافشاری کردند. این روش تعامل در عصر دولت عثمانی با عصر ظهور وهابیت همراه گشت. امام بزرگ، محمود شلتوت شیخ الازهر مصر و از بزرگ‌ترین علمای اهل سنت، بر لزوم برسمیت شناختن شیعه دوازده امامی، مثل مذاهب چهارگانه اهل سنت تاکید داشت و این رویه را مجاز شناخت که مذهب شیعه جزء پنج مذهب اسلامی درآید. پس متوجه می‌شویم که میان اهل سنت و شیعه اختلاف اساسی و ریشه‌ای نیست و این تفکر اسلام سیاسی القاعده که برگرفته از ریشه گفتمان وهابی است که شیعیان را رافضی می‌نامند. زیر بنای این تفکر به شناخت تک بعدی و افراط‌گرایی آنها و عنصر عرب‌گرایی و ناسیونالیسم عرب برمی‌گردد (یحیی‌العماد، م. ۱۴۱۲۰، ص ۷۴). پس در اینجا عنصر قومیت و ناسیونالیسم و هم شناخت سطحی القاعده

و سلفی‌ها، عامل اصلی کشتار بسیاری از عراقی‌ها بدست تروریست‌های وهابی و القاعده شده است نه مذهب و دین حنیف اسلام.

ب- صلیبی‌ها

با توجه به شناخت تاریخی القاعده از جنگ‌های میان اسلام و مسیحیان و دیگری جنگ‌های معروف دویست ساله صلیبی، این مفهوم نیز از جایگاهی مهم در گفتمان اسلام سیاسی القاعده برخوردار است.

قرارداد کارلوویتز، اهمیت ویژه در تاریخ امپراتوری عثمانی و حتی سطح گسترده‌تر جهان اسلام دارد. چرا که نخستین قرارداد صلحی است که بین امپراتوری شکست خورده عثمانی با دشمنان مسیحی پیروز، به امضاء رسید.

نوبنیادگرایان، مشکل و دلیل این شکست‌ها و آمدن صلیبی‌ها را به اراضی مقدس مسلمانان، همانا دور شدن از ارزش‌های نیکوی قدیمی اسلامی و عثمانی می‌دانند. آنها معتقدند، چاره اصلی، بازگشت به این ارزش‌ها است، این تشخیص و تجویز هنوز طرفداران زیادی در خاورمیانه، بویژه در القاعده دارد، یعنی بازگشت به گذشته پرافتخار اسلامی و احیای خلافت و مبارزه با دارالکفر، برای جلوگیری از سلطه صلیبی‌ها (سید قطب پیشین، ص ۴۲).

این در صورتی است که علماء و اندیشمندان مسلمان اصلاح گر (Reform) جوامع مسلمان، عامل اصلی این عظمت را احیای اسلام و انطباق آن با مدرنیت می‌دانند.

این گفتمان اصلاح از سید جمال و کواکبی ریشه گرفته و در پی اسلامی کردن شناخت و ارائه یک اسلام تساهل‌گرایانه و عمل‌گرایانه می‌باشند. به عبارتی، شناخت مدرنیت در دنیای جهان اسلام در حال دوئلی با شناخت نوبنیادگرایانه است. شناخت‌شناسی مدرنیت اسلامی، معتقد به تعامل دنیای اسلام با غرب، تقسیم علم میان علم اروپائی و علم اسلامی، تاکید بر عقلانیت و فرهنگ اسلامی و بالاخره همخوانی با جهانی شدن است (L. Euben pp. 26-30).

با این تفاوت، میان اسلام افراطی و اسلام میانه رو (ستتی) متوجه می‌شویم که قرائتی کلی درباره اسلام به طور کلی اشتباه و بی‌راهه است. مثلاً سیدقطب ایدئولوگ نوبنیادگرایان و اسلام سیاسی القاعده در مورد مفهوم صلیبی‌ها چنین می‌گوید: "فسادی که صلیبی‌ها بوجود آوردند، منحصر به طنین و آوای وحشتناک سلاح نبود، بلکه قبل از هر چیز در مقدمه فساد فرهنگی بود." او اضافه می‌کند که "عامل اصلی مسموم شدن افکار اروپائیان، رهبرانی هستند که درباره تعلیمات اسلامی و نمونه‌های عالی اخلاقی آن درباره توده مردم غرب سمپاشی کرده‌اند. و از این جا بود که در میان اروپائیان این عقیده مضحک پیدا شد که اسلام یک دین

شهوانی و زور حیوانی بود. و از همین جا بود که به پیامبر (ص) لقب‌های زشت و ناروایی دادند».

اگر چه سید قطب درک نادرست غربی‌ها از پیامبر و اسلام را به بیان داشته ولی جمال‌الدین اسدآبادی و میانه‌روی‌های اسلام ضمن هشدار به غربی‌ها برای تغییر این رویه در قبال اسلام، متذکر می‌شوند که راه حل معمای میان اسلام و غرب، گفتگو، تعامل و پذیرش دیگری و مشروعیت دادن به هویت همدیگر است. به عبارتی غرب و اسلام بایستی دربرگیرندگی (include) داشته باشند نه طردکنندگی (exclude). (Fadl 1985, pp. 332).

ج- اسلام سیاسی عربی

محمد ایوب، معتقد است که اسلام سیاسی بر این اعتقاد استوار است که اسلام به مثابه بخشی از ایمان و اعتقادی است، در مورد این که چطور سیاست و اجتماع بایستی در دنیای مسلمان معاصر تنظیم و اجرا شود. اسلام سیاسی به مثابه یک کنش به نوعی از طرف اسلام‌گرایان تعریف می‌شود و آن این که اسلام سیاسی شکلی از ابزاری کردن اسلام توسط افراد گروه‌ها و سازمان‌هایی است که در پی موضوعات و اهداف سیاسی‌اند (A Yoob 2005, pp. 951-961).

اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی در جهان اسلام یا حتی خارج از جهان اسلام امروزه بر اثر متغیرهایی مانند ماهیت رژیم‌ها در اغلب کشورهای مسلمان بویژه خاورمیانه بزرگ، توزیع قدرت جهانی که توازن منفی علیه کشورهای اسلامی به خصوص در خاورمیانه بوجود آورده، گسترش پیدا کرده است. اسلام سیاسی القاعده در عراق به نوعی با آموزه‌های میشل افلق و نوبعتی‌ها یا عرب‌گرایی آمیخته شده است. یعنی عامل قومیت و هویت عربی و ناسیونالیسم عربی بعنوان ابزارهای القاعده در عراق وارد عمل شده و اسلام سیاسی عربی با تروریسم عربی را به گفتمانی مسلط در خاورمیانه عربی مبدل ساخته است.

سخن پایانی

گسستی که میان جامعه‌شناسی مذهب و روابط بین‌الملل از لحاظ نظری بوجود آمده در واقع تا حد زیادی مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی را از عدم ارائه یک تحلیل جامع و کلی از رویدادهای جاری تحت تاثیر قرار داده است. این مقاله کوششی کلی برای ارتباط میان جامعه‌شناسی مذهب و روابط بین‌المللی یا نظری روابط بین‌الملل محسوب می‌شود.

حاکم بودن نگرش نواقع‌گرایی در روابط بین‌الملل باعث عدم شناخت مسائلی مهم در حوزه امنیت بین‌الملل و روابط بین‌المللی از جمله اسلام سیاسی شده است. لذا تحلیل‌گران، به

خوبی و شایسته نتوانستند ابعاد مختلف تروریسم و ارتباط آن با مبانی هستی‌شناختی و شناخت‌شناسی اسلام سیاسی القاعده را بررسی کنند. مقاله حاضر، کوشیده است تا مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده که ریشه‌های جامعه‌شناسی، تاریخی و فرهنگی دارد مورد بررسی قرار دهد، و چالش کنونی تروریسم با دنیای اسلام و غرب را ترسیم نماید. ما به خوبی مشخص ساختیم که اسلام سیاسی القاعده با اسلام‌گرائی یا حتی اسلام سیاسی سنتی از تفاوت‌های عمیق برخوردارند و ارائه تصویر کلی از اسلام سیاسی نادرست است. در واقع اقدامات القاعده و گفتمان اسلام سیاسی این سازمان، ریشه در برداشت‌ها و شناخت رهبران آن در مواجهه با مسائل سیاسی و اجتماعی و زندگی جهان امروز دارد و نه در برداشت‌ها و آموزه‌های اصیل اسلام کلاسیک.

اسلام سیاسی القاعده، مفاهیم و مبانی خویش را با تفسیر و تحلیل از مفاهیم اسلام کلاسیک به عاریت گرفته و با اقدامات تروریستی خود توجیه و تفسیر می‌کند، اینجاست که اسلام، ابزار کنش‌های سیاسی القاعده محسوب می‌شود. می‌توان در نهایت گفت، نگرش‌های متعدد در جهان اسلام وجود دارد که محققان روابط بین‌الملل می‌بایست با ارتباط جامعه‌شناسی مذهب، و مطالعات اسلامی با مطالعات بین‌المللی، سعی در تحلیل و تفسیر پدیده‌های نوظهور امنیتی در دنیای معاصر کنند، و از تک بعدی نگاه کردن به اسلام و یا اسلام سیاسی، بپرهیزند. لذا می‌بایست از ارتباط سلبی که بین اسلام و صلح یا اسلام و حقوق بشر در بعضی از گفتمان‌های غربی ایجاد شده، با بررسی و احتیاط بیشتر برخوردار کنند.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

- ۱- شرف‌نظری، علی "غرب، هویت و اسلام سیاسی، تصورات و پنداشت‌های غرب از اسلام"، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۲، بهار (۱۳۸۷).
- ۲- عاصم اشجع زاده، محمد «سیاسیت خاورمیانه‌ای امریکا و جهت‌گیری ضد آمریکایی القاعده» پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مهر ۱۳۸۴.
- ۳- سعید بابی، هراس بنیادین. دانشگاه تهران. ۱۳۸۳.
- ۴- سید قطب، عدالت اجتماعی از اسلام، ترجمه محمد علی گرامی و سید هادی خسروشاهی، تهران، کلبه شرق.
- ۵- سید سلیم شهزاد، القاعده در برابر طالبان نگاه کنید به: <http://www.Ariya.com> (2007/3/17)
- ۶- شیخ احد، مهدی "القاعده و تروریسم مذهبی"، فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار (۱۳۸۷).
- ۷- های، کالین، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- ۸- لوئیس، برنالد، مشکل از کجا آغاز شد؟، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران، نشر اختران.
- ۸- مشرف، پرویز، در خط آتش، برگردان: سید هارون یونسی، کابل، شرمیوند.
- ۹- موثقی، سید احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، سمت.

۱۰- مشیرزاده حمیرا ، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت ۱۳۸۵.

ب - عربی:

۱-القاعده فی العراق:

<http://www.Mostakbaliat.org/index.htm>.

۲-القاعده تبنى انفجارات فی الجزائر

<http://www..Alarabiya.net.2007/5/3>.

۳- سید قطب، *الاسلام و الاسلام العالمی*، قاهره، ۱۳۷۳ هـ.

۴- شکبشی، حسین ، زعیم القاعده و الصیغه الجدیده، *صحیفه الشرق الاوسط*، ۱۱ سبتمبر ۲۰۰۷، العدد ۱۰۵۱۴، (جریده العرب الدولیه).

۵-الهزاه، محمد ، *العنف السیاسی فی المجتمع البشری*، لندن.صحیفه القدس العربی، 2002/8/19.

۶- العماد،الدکتور عصام علی یحیی ، *المنهج الجدید و الصحیح فی الحوار مع الوهابیین*، قم، موسسه الکوثر للمعارفه الاسلامیه، ۱۴۲۳/۲۰۰۲.

۷-العماد،الدکتور عصام علی یحیی ، *رحلتی من الوهابیه الی اثنی عشریه*، صنعاء، ب. م. ۱۴۱۲۰.

۸- قرآن کریم، *سوره نساء*، آیه ۵۹.

۹-حسین، غازی، *الاحتلال الاسرائیلی و شرعیة المقاومة و العمليات الاستشهادیه*، دمشق، اتحاد کتاب العرب، ۲۰۰۷.

پ. خارجی:

۱-Abl , Fadl, *the Enlightenment Revisited, she also points out that Islam contributions were appropriate through a culture that transformed unimy in to is unity* (contemporary social theory" London, Monsell, 1985. pp. 332.

2-Benjamin Barberm "*Politics in the Middle East* " (London : Foresman little,Brown, 1990, p, 107.

3-Graham e.fuller *the future of political islam*.london,palgrave macmillan.2004.pp.10-11.

4- Hannef James Oliver, *The Wahaab Myth*..london.macillan. 2002.

Availablat:<http://www.rtaf.mith/publications/Terrorism/thewahhabumith.php>

5-Robert A Pape "The strategiclogic of suicide terrorism", *Journal American polical science* Review, Augst 2003, vol. 197, N, 3.

6- christopher, *Reuter, My life is a weapon, A Modern Histoty of suicide Bombing* (New jersey, princeton university press, 2004.

7- برای اطلاع بیشتر به مقاله ذیل رجوع شود:

Martha Finnemore and Kathryn sikkin, "International Norms Dyamics, and political change", *International organization*, 54, 4, Aurutuma, 1998.

8- Zaheer A. Kazmi. "Discipline and power Interpreting global Islam" areview assay, Review of International Studies, (2004), 30.

9- Roxanne L. Euben, *Contingent Borders, Syncretic Perspectives: Globalization, Political Theory, and Islamizing Knowledge*, Blackwell Publishing. USA. Oxford Press.

10- Mohammad A Yoob, The future, of political Islam: The importance, External Variables, *International Affairs* 81. 5 (2005).

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در این مجله منتشر شده است:

«در باب تعریف بحران در نظام بین‌الملل»، شماره ۳۳، سال ۷۳؛ «گزارش درباره نخستین دانشجوی زن در

دانشکده حقوق و علوم سیاسی»، شماره ۶۵، سال ۸۳؛ «فناوری اطلاعات و حاکمیت»، شماره ۷۱، سال ۸۵؛

«روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس بعد از سال ۲۰۰۳»، شماره ۳، سال ۸۶، «تلاش برای شناختن

سکندارداری خوب»، شماره ۳، سال ۸۷، «فناوری اطلاعات و سرمایه اجتماعی در عرصه بین‌المللی»، شماره ۱،

سال ۸۹.